



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

درس سوم

الْمُعْجَم (۲۹ کلمه جدید)

غَضِبَ : خشمگین شد
(مضارع : يَغْضَبُ)
غَضَبَان : خشمگین
قَاطِعُ الرَّحِمِ : بُرْنده پیوند
خویشان
قَبَّلَ : بوسید (مضارع : يُقَبِّلُ)
قَسَمَ : تقسیم کرد
(مضارع : يُقَسِّمُ)
كَشَفَ : آشکار کرد
(مضارع : يَكْشِفُ)
مَخْزَنَ : انبار «جمع : مَخَازِن»

(مضارع : يَحْسَبُ)
حَفَرَ : گند (مضارع : يَحْفِرُ)
ذَهَابَ : رفتن
رَاحِمَ : رحم کننده
رَجَاءً : لطفاً
رَحِمَ : رحم کرد (مضارع : يَرْحَمُ)
صَدَّقَ : راستی
«لِسَانُ صِدْقٍ : یاد خوب»
عَجَزَ : ناتوان شد
(مضارع : يَعْجِزُ)
عَدُوٌّ : دشمن «جمع : أَعْدَاءُ»

آخِرَ : پایان «آخِرِينَ : آیندگان»
إِخْوَانَ : یاران، برادران
«مفرد : أَخ»
إِعْتَذَرَ : معذرت خواست
(مضارع : يَعْتَذِرُ)
أَعْجَزَ : ناتوان ترین
اِكْتَسَبَ : به دست آوردن
تَعَجَّبَ : تعجب کرد
(مضارع : يَتَعَجَّبُ)
جَسَرَ : پُل «جمع : جُسُور»
حَسِبَ : پنداشت

پل راستگویی

حمیده و سعیده دو برادر در یک مزرعه گندم بودند؛ در یکی از روزها میانشان دشمنی افتاد و برادر بزرگ تر «حمید» به برادر کوچک تر «سعید» خشم گرفت و به او گفت: «از مزرعه خارج شو.»

و همسر حمید به همسر سعید گفت: «از خانه مان خارج شو»
در صبح یکی از روزها مردی در خانه حمید را زد، وقتی که در خانه را باز کرد، نجاری را دید و از او پرسید: «از من چه می خواهی؟»

نجار جواب داد: « دنبال کاری می گردم، آیا کاری داری؟ »
حمید گفت: «البته؛ مشکلی دارم و حل آن در دست توست.»
نجار گفت: «مشکلت چیست؟» حمید جواب داد: «آن خانه همسایه ام است؛ او برادرم و دشمنم است؛»

به آن رودخانه نگاه کن؛ او مزرعه را با آن نهر به دو نیم تقسیم کرده است؛ او نهر را کنده است؛ زیرا از من عصبانی است. چوب‌های بسیاری در انبار دارم؛ لطفاً دیواری چوبی میان ما بساز.»

سپس به نجار گفت: «من به بازار می‌روم و بعد از ظهر بر می‌گردم.» هنگامی که حمید بعد از ظهر به مزرعه‌اش برگشت خیلی تعجب کرد، نجار دیواری نداشت؛ بلکه پلی روی نهر ساخت؛ سپس حمید خشمگین شد و به نجار گفت: «چه کردی؟! چرا پل ساختی?!» در این هنگام، سعید رسید و پلی را مشاهده کرد و گمان کرد که حمید دستور ساختن پل را داده است؛ سپس از پل عبور کرد و شروع به گریه کرد و برادرش را بوسید و معذرت خواهی کرد.

حمید به سوی نجار رفت و از او تشکر کرد و گفت: «تو برای سه روز مهمان من هستی» نجار عذرخواهی کرد و گفت: «پل‌های زیادی مانده است، باید برای ساختن آنها بروم.»

از سخن فرستاده خدا

مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ :

إِثْنَانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّحِمِ وَ جَارُ السَّوِّءِ.
دو چیز است که خداوند به آنها نگاه نمی‌کند، جدا کننده قایل و همسایه بد.



✍ با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

- | | | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|---|
| ☐ | ☒ | ۱. قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِّزَوْجَةِ سَعِيدٍ: أَخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا.
همسر حمید به همسر سعید گفت: از خانه ما خارج شو. |
| ☒ | ☐ | ۲. صَنَعَ النَّجَّارُ جِدَاراً خَشِيباً بَيْنَ الْأَخْوَيْنِ.
نجار دیواری چوبی بین دو برادر ساخت. |
| ☒ | ☐ | ۳. بَقِيَ النَّجَّارُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.
نجار سه روز در خانه حمید ماند. |
| ☐ | ☒ | ۴. سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.
سعید مزرعه را به دو قسمت تقسیم کرد. |
| ☐ | ☒ | ۵. مَا نَدِمَ سَعِيدٌ وَ مَا قَبَّلَ أَخَاهُ.
سعید پشیمان شد و برادرش را بوسید. |
| ☐ | ☒ | ۶. حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ.
حمید از سعید بزرگ تر است. |

فِعْلُ الْأَمْرِ (۱) (یا وَلَدُ، اِفْعَلْ)، (یا بِنْتُ، اِفْعَلِي)



لِمَ أَنْتِ وَحِيدَةٌ؟ اِلْعَبِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ.

چرا تو تنها هستی؟ با هم کلاسی هایت بازی کن.



لِمَ أَنْتَ وَحِيدٌ؟ اِلْعَبْ مَعَ زَمَلَائِكَ.

چرا تو تنهایی؟ با هم کلاسی هایت بازی کن.

بدانیم

با فعل امر آشنا شوید. به فرق میان فعل‌های مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

شخص	فعل مضارع	فعل امر
	تَفَعَّلُ	افْعَلْ
	تَفْعَلِينَ	افْعَلِي
	انجام می‌دهی	انجام بده

فرق فعل مضارع و فعل امر را کشف کنید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَسْمَعُ: می‌شنوی	اسْمَعْ: بشنو	تَعْلَمِينَ: می‌دانی	اعْلَمِي: بدان
تَجْلِسُ: می‌نشین	اجْلِسْ: بنشین	تَجْلِبِينَ: می‌آوری	اجْلِبِي: بیاور
تَكْتُبُ: می‌نویسی	اُكْتُبْ: بنویس	تَصُدُقِينَ: راست می‌گویی	اُصْدُقِي: راست بگو

ترجمه کنید.

اِبْحَثْ عَنِ الْمِفْتَاحِ.	کلید را پیدا کن.	اِزْرَعِي قَمْحًا.	گندم بکار.
ارْقَعْ عِلْمَ إِيْرَانِ.	پرچم ایران را بلند کن.	ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ	به سوی پروردگارت بازگرد
اَطْلُبْ خَيْرَ الْأُمُورِ.	بهترین کارها را درخواست کن	اَشْكُرِي أُمَّكَ.	از مادرت تشکر کن.

التمرين الأول

● درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت بنویسید.

۱. اَلْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ وَ الْمَوْظَفُ يَعْمَلُ فِي الْإِدَارَةِ. درست
۲. مَرَقْدُ الْإِمَامِ الثَّالِثِ فِي مَدِينَةِ مَشْهَدٍ فِي مُحَافَظَةِ خِرَاسَانَ. نادرست
۳. اَلْمَخْزَنُ مَكَانٌ نَجْعَلُ وَ نَحْفَظُ فِيهِ أَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةً. درست
۴. بَعْدَ تَصَادُمِ سَيَّارَتَيْنِ يَأْتِي شُرْطِيُّ الْمُرُورِ. درست
۵. اَلْجِسْرُ مَكَانٌ يَرْقُدُ فِيهِ الْمَرَضَى لِلْعِلَاجِ. نادرست

التمرين الثاني

● جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



رَجَاءُ، اِلْعَبِ مَعَنَا كُرَةَ الْمِنْضَدَةِ.

لطفاً با ما تنیس روی میز بازی کن.



رَجَاءُ، اِلْعَبْ مَعَنَا كُرَةَ الْقَدَمِ.

لطفاً با ما فوتبال بازی کن.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

● آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ المؤمنون ۱۰۹

پروردگارا ما ایمان آوردیم، پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.

۲. ﴿... اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشعراء ۸۴

برای ما در آیندگان آوازه نیکو قرار بده.

۳. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ المائدة ۸۳

پروردگارا ما ایمان آوردیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس.

۴. ﴿... أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آل عمران ۱۴۷

ما را بر قوم کافران پیروز گردان.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

● هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صِغَاب / صَالِحَات / رَاحِمُونَ / زَوْجَةٌ / جِسْرَيْنِ / تِلْمِیذَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنای مذکر	مثنای مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
زَوْجَه	جِسْرَيْنِ	تِلْمِیذَتَانِ	رَاحِمُونَ	صَالِحَات	صِغَاب

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

● ترجمه کنید.

۱. يَا أَخِي، اِسْمَعْ كَلَامَ مُدَرِّسِنَا. ای برادرم، سخن معلم مان را گوش کن.
۲. يَا أُخْتِي، اِصْنَعِي مُسْتَقْبَلَكِ. ای خواهرم، آینده ات را بساز.
۳. يَا أَيُّهَا التِّلْمِيذُ، اُشْكُرْ رَبَّكَ. ای دانش آموز (پسر)، پروردگارت را شکر کن.
۴. يَا أَيَّتُهَا التِّلْمِيذَةُ، اُشْكُرِي رَبَّكَ. ای دانش آموز (دختر)، پروردگارت را شکر کن.

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

● گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱. مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ. ✓ اِرْحَمْ □ اُسْجُدْ
به کسی که در زمین است رحم کن تا آنکه در آسمان است به تو رحم کند.
۲. اَلْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا لِعُبُورِ السَّيَّارَاتِ. ✓ جَسْرًا □ مَخْزَنًا
مهندسان پلی برای عبور ماشین ها ساختند.
۳. سَعِيدٌ اَلْمَزْرَعَةُ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ. ✓ قَسَمَ □ حَسِبَ
سعید با آن رود مزرعه را به دو نیم تقسیم کرد.
۴. عَجَزَ الْمَرِيضُ فَ فِي الْمُسْتَشْفَى. ✓ رَقَدَ □ حَفَرَ
بیمار ناتوان شد پس در بیمارستان بستری شد.
۵. ظَلَمْتُ صَدِيقَكَ فَهُوَ عَلَيْكَ. □ خُسِرَانُ ✓ غَضَبَانُ
به دوستت ستم کردی پس او بر تو خشمگین شد.
۶. جَارُنَا يَعْمَلُ فِي الْكَرَاسِيِّ. □ مَلْعَبٍ ✓ مَصْنَعٍ
همسایه ما در کارگاه صندلی سازی کار می کند.

● کلمه‌های مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.

جَمال / تَلْمِيز / عِنْدَمَا / حَزِين / قُبْح / مَحْزُون / لَمَّا / شَقَاوَة / طَالِب / سَعَادَة

..... جمال ≠ قُبْح / شَقَاوَة ≠ سَعَادَة / تَلْمِيز = طَالِب

..... عِنْدَمَا = لَمَّا / حَزِين = مَحْزُون

كَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.

۱. اِعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ^۱ مَعَ الصَّبْرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

..... بدان که پیروزی همواره بر دباری است.

۲. لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

..... کسی که از مردم سپاسگزاری نمی‌کند از خدا هم سپاسگزاری نمی‌کند.

۳. أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ. الإمام علي عليه السلام

..... ناتوان‌ترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوستان ناتوان است.

۴. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. الإمام علي عليه السلام

..... هرگاه بر دشمنت چیره‌شدی؛ بخشایش را شکرانه چیرگی بر او قرار بده.

۵. اَلْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَ الْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

..... دانش و دارایی هر عیبی را می‌پوشانند و نادانی و نداری هر عیبی را آشکار می‌کند.

۱. النَّصْر: پیروزی.

۲. حرف «ل» در «اجْعَلْ» در جمله «... اجْعَلِ الْعَفْوَ...» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا تلفظ دو حرف ساکن در کنار هم در زبان عربی دشوار است. (اجْعَلِ الْعَفْوَ).

● یک متن کوتاه عربی (قرآن، حدیث، داستان، لطیفه ...) پیدا کنید که فعل امر داشته باشد.

قَالَتِ الْوَالِدَةُ لِطِفْلَتِهَا: مادر به دختر کوچکش گفت:

إِذْهَبِي إِلَى سَاحَةِ الْمَنْزِلِ وَانْظُرِي هَلِ السَّمَاءُ صَافِيَةٌ أَمْ سَحَابِيَّةٌ بِهِ حَيَاطُ خَانَةِ بَرٍّ وَبَيْنَ أَسْمَانِ صَافٍ

است یا ابری؟